

گرانی اقلام خوراکی در هرمزگان در آخرین ماه تابستان

گزارش پیش رو وضعیت قیمت‌ها را در شهریورماه بررسی کرده است.

به گزارش سایت خبری پرسون از هرمزگان، انگار سبد مواد غذایی خیال ارزانی ندارد. چند ماهی است که هر هفته شاهد گرانی برخی اقلام غذایی و حتی مصالح ساختمانی و خودرو هستیم. از نوسانات قیمتی مرغ و گوشت گرفته تا حذف شدن کره از سبد معیشتی خانوارها! با توجه به این افزایش قیمت‌های ناگهانی، قدرت خرید دهک‌های کم‌درآمد روزبه‌روز کاهش پیدا می‌کند. به طوری که سویا جایگزین گوشت و مرغ شده و برنج جای خود را به ماکارونی و نان داده‌است. در این بین کاهش تقاضای خرید مردم باعث متضرر شدن تولیدکنندگان کالا نیز می‌شود. به دنبال این افزایش قیمت‌ها، در ادامه نگاهی به کالاهای سر به فلک کشیده در شهریورماه ۱۴۰۰ انداخته‌ایم و به گفت‌وگو با کارشناس اقتصادی در این زمینه نشسته‌ایم.

گوشت و مرغ پر

آخرین ماه تابستان با گرانی گوشت گوسفندی آغاز شد. به گفته «علی اصغر ملکی»، رئیس اتحادیه گوشت گوسفندی مصرف گوشت به دلیل گرانی‌اش نسبت به سال‌های گذشته کاهش چشم‌گیری داشته‌است. ملکی می‌گوید: «شیب افزایش قیمت گوشت ملایم است و هم اکنون شقه گوسفند بره ماده درب مغازه کیلویی ۱۲۰ هزار تومان عرضه می‌شود که با ده درصد سود این کالا باید با قیمت ۱۳۰ هزار تومان به دست مصرف‌کننده برسد».

ملکی معتقد است که با کمبود نهاده و گرانی آن، شرایط بازار از ابتدای مهرماه با دغدغه کمبود گوشت گوسفندی مواجه می‌شود. گرانی گوشت، بازار سویا را داغ کرد. به طوری که سویا جایگزینی برای گوشت در سفره‌های مردم شد. تقاضای خرید سویا در بازار به دلیل گرانی گوشت بیش از ۷۰ درصد افزایش یافته است. علاوه بر جایگزینی سویا در سبد مصرفی بسیاری از خانوارهای کم‌درآمد به جای گوشت قرمز گوسفندی و گوساله، بسیاری از تولیدکنندگان صنعتی و صنایع غذایی نیز سویا را جایگزین گوشت قرمز در تولیدات خود کرده یا سهم این ماده غذایی را در تولیدات خود به شدت افزایش یافته‌است. این شرایط موجب شده قیمت عمده‌فروشی هر کیلوگرم سویا به ۲۱ هزار تا ۲۲ هزار تومان افزایش یابد. درحالی‌که قیمت دولتی هر کیلوگرم سویای وارداتی با ارز چهار هزار و ۲۰۰ تومانی تا شش هزار و ۸۰۰ تومان است. افزایش تقاضا و مصرف سویا در بخش انسانی و خوراک دام موجب افزایش شدید قیمت سویا شده است. با این روند از ابتدای امسال قیمت عمده‌فروشی هر کیلوگرم سویا ۲۰۰ درصد افزایش داشته و تقاضای خرید سویا در مردادماه امسال نسبت به پارسال نیز ۷۰ درصد رشد داشته و سویا در بسیاری از آشپزخانه‌های صنعتی، صنایع غذایی و سبد مصرفی خانوارها جایگزین گوشت قرمز شده؛ زیرا حتی با وجود گرانی ۲۰۰ درصدی هنوز هم قیمت یک کیلوگرم سویا یک‌پنجم قیمت هر کیلوگرم گوشت قرمز است. دراین بین برنج هم از غافله گرانی عقب نماند.

تصمیمات بی‌برنامه مسئولان و دیپوی هزاران تن برنج در گمرک، روند صعودی برنج را بیش از پیش کرد. با افزایش قیمت برنج و گوشت، سفره‌های مردم کوچک‌تر شد، مردم به کالاهای ارزان قیمت‌تر از جمله تخم‌مرغ و مرغ روی آوردند. کمبود جوجه یک‌روزه اما افزایش قیمت نهاده دامی موجب شد تا قیمت هر کیلوگرم تخم‌مرغ در مرغداری به ۱۷ هزار و ۳۰۰ تومان برسد.

قیمتی که به گفته تولیدکنندگان منصفانه نیست، ضرر و زیان آنان را جبران نمی‌کند و تولیدکنندگان خواهان این هستند که قیمت مصوب به کیلویی ۱۸ هزارتومان برسد. به گفته آنان، قیمت تمام‌شده تولید یک کیلوگرم تخم‌مرغ برای تولیدکنندگان حدود ۱۸ هزار و ۳۰۰ تومان است اما آنها مجبورند با قیمت مصوب سال گذشته یعنی ۱۴ هزار تومان، تولیداتشان را عرضه کنند. درحالی‌که افزایش ۴۰ درصدی دستمزد و حقوق در سال جاری، افزایش قیمت ریزمغذی متیونین، افزایش قیمت نهاده‌های دامی موجب شده تا هزینه‌های تولید سرسام‌آور شود. در این بین نهاده‌های خوراک دام و طیور به نرخ دولتی به دست تولیدکنندگان نمی‌رسد و مرغداران مجبورند برای رفع کمبود نهاده به بازار آزاد مراجعه کنند. افزایش قیمت نهاده هزینه تولید را افزایش داده و تولیدکنندگان مجبورند برای داشتن حاشیه سود یا فرار از ضرر و زیان محصول خود را به قیمت بالاتری بفروشند. هم‌اکنون براساس نرخنامه هر کیلوگرم تخم‌مرغ در میادین میوه و تره‌بار با قیمت ۱۶ هزار و ۹۰۰ تومان و هرشانه ۳۰ عددی تخم مرغ حدود ۴۵ هزارتومان به فروش می‌رسد. اواسط شهریورماه بود که شاهد افزایش قیمت رب‌گوجه در کشور بودیم. مسئولان علت گرانی این مواد غذایی را کاهش تولید گوجه‌فرنگی و افزایش قیمت برخی دیگر از نهاده‌های تولید رب، مانند قوطی و درب قوطی دانستند. با این شرایط قیمت عمده‌فروشی یک قوطی ۸۰۰ گرمی رب‌گوجه‌فرنگی دردار که در سال ۹۷ به ۱۹ هزار تومان افزایش یافته اما به دلیل کاهش تقاضا به ۱۱ هزار تومان کاهش یافته بود، حالا دوباره به ۱۹ تا ۲۲ هزار تومان، بنابر نوع برند محصول، افزایش یافته که بیانگر افزایش ۵۰ تا ۶۰ درصدی قیمت بنکداری این محصول است. با این حساب، قیمت رب گوجه‌فرنگی تا حدود قیمت‌های سال ۹۷ و حتی بالاتر افزایش یافته است.

شیرین‌کامی سربه‌فلک‌کشیده

شکر نیز مانند سایر اقلام خوراکی نسبت به سال‌های گذشته، افزایش قیمت‌های مستمری را تجربه کرد. یک کیلوگرم شکر در مرداد سال گذشته با متوسط قیمت ۹ هزار و ۶۷ تومان فروخته می‌شد اما این کالا نیز با قرارگرفتن در مسیر افزایش قیمت در تیرماه سال جاری، متوسط قیمت ۱۴ هزار و ۹۷۲ تومان را به نام خود ثبت کرد. به عبارتی، متوسط قیمت تیر ماه سال جاری قند نسبت به تیر ۹۹ با ۷۱.۹ درصد تغییر همراه شده است کارشناسان، تغییر جهانی قیمت شکر، قیمت دلار و احتکار را عامل اصلی این رشد قیمت می‌دانند.

براساس آمار ارائه شده از سوی معاون پژوهش و فناوری مؤسسه تحقیقات اصلاح و تهیه بذر چغندرقد، سرانه مصرف شکر در ایران به ازای هر نفر ۳۰ کیلوگرم در سال است. ایران برای تأمین این خوراکی محبوب، نیاز به تأمین سالانه ۲ میلیون و ۲۰۰ تا ۲ میلیون و ۴۰۰ هزار تن شکر دارد. به دنبال گرانی شکر و قند، قیمت ۱۰ تا ۱۵ هزار تومانی بسته های بیسکویت پذیری، به بالای ۳۰ هزار تومان رسیده که کاهش تقاضا برای این محصول را به دنبال داشته است. کاهشی که البته مختص امسال نیست و سال گذشته هم سوپرمارکت ها از پایین آمدن آمار فروش حتی تا ۵۰ درصد سال ۹۸ می گفتند.

بیسکویت ساقه طلایی، برند مینو که تا سال گذشته سه هزار تومان بود حالا شش هزار تومان فروخته می شود. برای دیگر انواع بیسکویت هم افزایش قیمت با درصدهای مختلف رخ داده است. در مردادماه با درخواست تولیدکنندگان، قیمت انواع بیسکویت و شکلات ۱۱ تا ۴۵ درصد افزایش یافت. افزایش بهای مواد اولیه تولید از قبیل روغن، شکر که مهم ترین مواد شیرینی و بیسکویت را تشکیل می دهند، همچنین افزایش قیمت بسته بندی کالا از دلایل گرانی بیسکویت است. همچنین حبوبات، ادویه جات، هویج، قارچ و کره از جمله کالاهایی هستند که در شهریورماه رشد قیمتی قابل توجهی داشتند.

چاره مسئولان برای متعادل کردن قیمت ها

مسئولان کمبود مواد اولیه، احتکار و نبود نظارت بر توزیع، حضور پر رنگ دلالت و کاهش تقاضای مردم را علت گرانی های بی اساس می دانند. از طرفی بی توجهی مسئولان به تولیدکنندگان صنایع و مواد غذایی باعث دلسرد و متضرر شدن آنان می شود. همچنین نبود یک برنامه ی کارآمد برای حمایت تولیدکنندگان موجب افزایش قیمت های بی اساس یا احتکار مواد غذایی می شود که دود تمامی این کش و قوس ها به چشم خانوارهای کم درآمد می رود. از طرفی، «علیرضا اشرف»، دبیر انجمن صنفی کارخانه های قندوشکر معتقد است: «هیچ راهکاری را نمی توان از جانب تولیدکنندگان شکر به عنوان راهی برای پیشگیری از افزایش قیمت ارائه کرد چراکه مسئولان توجهی به این راه حل ها ندارند. بیشتر مسئولان نگاهشان مبتنی بر مسائل سیاسی و اجتماعی است و نگاه کلان اقتصادی به مسئله تولید ندارند. تمام اقلام از ابتدای سال با افزایش ۵۰ درصدی روبه رو شده اند و کرونا نیز فشار مضاعفی را به تولیدکنندگان وارد کرد و موجب شد تا نیمی از کارگران خانه نشین شوند، در این شرایط نباید انتظار داشت که راهکارهای جزئی چاره ساز باشند چراکه ما نیازمند تغییر در رویکرد اقتصادی هستیم. بدون شک تولیدکننده به تنهایی نمی تواند نقشی در افزایش ارزش ریال و کاهش هزینه ها داشته باشد. هر زمان که دولت، تصمیمات عاقلانه تری اتخاذ کرد، ما شاهد افزایش تولید و ثبات قیمت بودیم اما زمانی که دولت با مشکلات اقتصادی متعددی مانند تحریم، افزایش نرخ ارز و غیره روبه رو شود، نباید انتظاری جز افزایش قیمت تولید داشته باشیم. بنابراین برای جلوگیری از افزایش قیمت در حوزه های مختلف تولید و به خصوص در حوزه شکر نیازمند تغییر نگاه اقتصادی دولتمردان هستیم تا ثبات اقتصادی در کشور شکل بگیرد».

گفت و گو با «محمد محبی»، عضو هیئت علمی دانشگاه هرمزگان درباره علل صعودی بودن قیمت کالاها در استان

کنترل تورم با اخذ مالیات از فعالیت های غیرمولد

محمد محبی، عضو هیئت علمی دانشکده مدیریت، اقتصاد و حسابداری دانشگاه هرمزگان است. در ادامه با ایشان به گفت و گو نشسته ایم تا از علل بی ثباتی قیمت ها در کشور سر در بیاوریم.

از نظر شما کشور کی می تواند به ثبات قیمت ها یا حداقل نوسانات در قیمت ها دست پیدا کند؟

دو نوع تورم در کشور حکم فرماست؛ نوع اول تورم ناشی از فشار تقاضا است و نوع دیگر تورم ناشی از فشار هزینه. تورم ناشی از فشار تقاضا، زمانی اتفاق می افتد که به هر دلیلی تقاضای جامعه افزایش پیدا کند. در حال حاضر، کشور ما تحت تحریم های ظالمانه قرار گرفته که طبیعتاً بخشی از درآمدهای نفتی را از دست داده است. در دوران هایی که درآمدهای نفتی کشور زیاد بود، به جای اینکه درآمدهای نفتی صرف زیرساخت های اقتصادی شود و شرایط را برای توسعه فعالیت های تولیدی در کشورمان بهبود فراهم کند، سعی در سرکوب نرخ ارز داشته است. از این طریق واردات خارجی باعث می شد تا حد زیادی کمبود کالا و خدمات مورد نیاز کشور برطرف شود و قیمت ها با یک ثبات نسبی همراه باشند. گرچه در هیچ دوره ای شاهد تورم صفر در کشور نبوده ایم (به جز اندک سال هایی معمولاً دو رقمی بوده به هر حال فشار تورم ناشی از تقاضا کمتر بوده است). زمانی که به هر دلیل درآمدهای ارزی دولت کاهش پیدا می کند و نمی تواند مصارف بودجه را کاهش دهد، ناترازی در بودجه یا به عبارتی کسری بودجه ایجاد می شود. عموماً کشورهای مختلف راه های زیادی برای تأمین کسری بودجه در نظر گرفته اند. این کسری بودجه می تواند از طریق فروش اوراق قرضه، اخذ تسهیلات در سیستم بانکی یا از طریق استقراض بانک مرکزی تأمین شود. البته بعضی از کشورها از کشورهای خارج هم قرض می گیرند. زمانی که دولت از بانک مرکزی می خواهد که کسری بودجه را تأمین کند، بانک مرکزی اقدام به خلق پول می کند و نتیجه آن افزایش پایه پولی خواهد بود. به طور کلی یک ضریبی در بخش پولی به نام «ضریب فزاینده پولی» وجود دارد. هنگامی که، بانک مرکزی ۱۰ واحد پول را خلق کند یا به عبارتی در جامعه تزریق کند هر واحد پول حدود ۷ الی ۸ برابر ایجاد نقدینگی می کند. یعنی اگر ۱۰۰ واحد پول را تزریق کنیم، حدود ۷۰۰ الی ۸۰۰ واحد افزایش نقدینگی خواهیم داشت. افزایش نقدینگی به معنای قدرت خرید بیشتر است، حالا باید ببینیم که اقتصاد در یک سال به خصوص، رشد اقتصادی یا تولید بیشتر داشته یا با همان سطح تولید نقدینگی کشور رشد پیدا کرده است. از سال ۱۳۹۰ تا کنون، شاهد رشد اقتصادی در کشور نبوده ایم. بخش عمده ای از این شرایط به تحریم های ظالمانه و ناتوانی در مدیریت اقتصاد کشور برمی گردد. نتیجه افزایش تقاضا بدون افزایش تولید، به تبع، زمانی که مقدار کالاها همان مقدار قبلی باشد اما تقاضای بیشتری برای آن کالا به واسطه افزایش نقدینگی در جامعه به وجود آید، قیمت ها افزایش پیدا می کند (به عبارتی تورم به وجود می آید). البته تورم رکودی ناشی از فشار هزینه نیز داریم، زمانی که تورم در بخش تقاضایی به وجود می آید، قیمت دستمزدها و قیمت کالای مورد نیاز بخش های تولیدی

هم افزایش پیدا می‌کند، از طرفی به واسطه افزایش طول عمر ماشین آلات صنعتی {که امکان نوسازی در شرایط فعلی کمتر وجود دارد}، استهلاک ابزارآلات افزایش پیدا می‌کند و نتیجه‌ی آن در بخش تولید خود را نشان می‌دهد. بنابراین این تورم به معنای افزایش قیمت‌ها است که بعضی کالاها کمتر یا بعضی کالاها بیشتر افزایش پیدا می‌کند. پس کشور ما تا زمانی که خلق نقدینگی‌اش بدون تولید کالا در کشور افزایش پیدا کند، انتظار افزایش قیمت کالاها را داریم. افزایش یک‌دفعه اتفاق نمی‌افتد، مثلاً فرض کنیم تورم سال‌جاری ۳۵ درصد بوده، به طور میانگین هر ماه ۳ الی ۴ درصد افزایشی در سطح قیمت‌های کالاها ایجاد می‌شود. دولت‌ها برای اینکه فشار کمتری بر اقشار جامعه وارد شود، معمولاً از سیاست‌های دستوری سرکوب قیمت‌ها نیز استفاده می‌کنند که این سیاست در بلند مدت باعث افزایش قیمت‌ها می‌شود. استدلال این است که وقتی شما به یک بخش اقتصادی اجازه ندهید که همراه با افزایش هزینه‌ها، قیمت کالای تولید خود را افزایش دهند، حاشیه‌ی سود این بخش کاهش پیدا می‌کند و ممکن است دیگر تولید به‌صرفه نباشد یا سود آن کم باشد و فرصت سرمایه‌گذاری مجدداً ایجاد نشود. همچنین در بلندمدت سرمایه‌داران دیگر انگیزه‌ای برای ورود سرمایه خود به تولید ایجاد نداشته باشند. قیمت کالاها را به هر شکلی بخواهیم کنترل کنیم، وقتی تقاضا زیاد باشد و کالا کم باشد، قیمت‌ها افزایش پیدا می‌کند. در کشور ما منابع سرمایه‌ای که وجود دارد به سمت بخش مولد اقتصادی حرکت نمی‌کند یا کم حرکت می‌کند. یک دلیل آن می‌تواند این باشد که نرخ سود فعالیت‌های سوداگرانه یا به عبارتی فعالیت‌های دلالتی خیلی بیشتر از نرخ سود انتظاری در بخش تولید است. وقتی که یک نفر زمینی خریداری می‌کند یا خودرویی می‌خرد که در پایان سال قیمت آن چندین برابر می‌شود طبیعی است که انگیزه تولید کاهش می‌یابد. بعبارت دیگر در نظر بگیریم که تولیدکننده با تمام ریسکی که می‌پذیرد {با همه سختی که در این شرایط برای تولید وجود دارد}، نرخ سود تولید آن نسبت به نرخ سود فعالیت‌های دلالتی خیلی کمتر است. به همین دلیل، بخش تولید انگیزه کافی برای افزایش سرمایه‌گذاری ندارند. همچنین سرمایه‌ها به جای اینکه در بخش مولد اقتصاد به کار گرفته شوند در بخش‌های دلالتی وارد می‌شوند. نتیجه‌ی آن این است که تولید کشور کم و تقاضا به واسطه‌ی افزایش نقدینگی زیاد، باعث ایجاد تورم می‌شود. طی سال گذشته و سال جاری، بحث «اخذ مالیات بر نقل و انتقال دارایی» و مالیات از فعالیت‌هایی که تابه‌حال در واقع مشمول مالیات نبوده‌اند، مطرح شده است و قانون‌اش هم قرار است که اعمال شود. اگر چنین قانونی را ما به خوبی اجرا کنیم و از بخش غیرمولد اقتصاد مالیات اخذ کنیم، هزینه‌های فعالیت دلالتی را افزایش بدهیم، امکان اینکه بخشی از سرمایه به سمت تولید رود {البته مشروط براینکه سایر مشکلات بخش تولید را بتوانیم حل کنیم}، این امکان وجود خواهد داشت و اگر کشور در اعمال این سیاست اخذ مالیات از فعالیت‌های غیرمولد موفق شود، شاید یک گام موثری را برای افزایش تولید و در بلندمدت برای کنترل تورم برداریم. ضمن اینکه اگر درآمدهای مالیاتی دولت را بتوانیم افزایش دهیم، شاید دولت مجبور نباشد کسری بودجه خود را از طریق استقراض بانک مرکزی و خلق پول تامین کند و خودبه‌خود باعث کنترل تورم می‌شود.

نقدینگی چه اثراتی بر اقتصاد کشور می‌گذارد؟

عموماً نقدینگی مانند یک سیل است که خرابی به بار می‌آورد. گاهی وقت‌ها نقدینگی ایجاد شده در اقتصاد {که نقدینگی در سال‌های اخیر با رشد بی‌سابقه‌ای روبه‌رو بوده‌است} به بازار ارز حمله می‌کند و بی‌ثباتی ایجاد می‌کند، گاهی اوقات به بازارهای دیگر از جمله: مسکن و خودرو و غیره، حمله می‌کند و باعث افزایش قیمت‌ها در بازار می‌شود. برای اینکه بخش تولید در یک مسیر بلندمدت رشد کند، کشور به یک ثبات قوانین نیاز دارد و به قابل پیش‌بینی شدن متغیرهای کلان اقتصادی نیاز داریم. یک تولیدکننده‌ای که می‌خواهد کالایی را تولید کند باید بتواند با یک اندکی انحراف، نرخ ارز را برای سال آینده پیش‌بینی کند، چرا که در سال آینده می‌خواهد با همین ارز مواد اولیه وارد کند. بنابراین در صورتی که این متغیرها قابل پیش‌بینی نباشند، انگیزه برای سرمایه‌گذاری کاهش پیدا می‌کند. بعضی از مردم فکر می‌کنند که دولت به هر شکل ممکن باید از افزایش نرخ ارز جلوگیری کند درحالی‌که این کاملاً اشتباه است. کشور در شرایطی که تورم نداشته باشد، باید نرخ ارز ثابت باشد به عبارتی، قدرت پول ملی مان حفظ شود. اما در شرایطی که به هردلیلی افزایشی در نقدینگی داریم و به تبع آن، افزایش در تورم داریم اگر نرخ ارز را ثابت نگه‌داریم یا به همان اندازه‌ی تورم، افزایشی در نرخ ارز ندهیم این باعث می‌شود قیمت کالاهایی که تولید می‌کنیم گران باشد و قیمت کالاهایی که از خارج وارد می‌شود با ارز ارزان‌تر قیمتشان کمتر از قیمت کالای تولید داخل باشد. به عبارتی، کالاهای تولیدی کشور، مزیت قیمتی خود را ازدست دهند.

چرا با شروع هر هفته جدید موجی از گرانی کالاهای اساسی مواجه می‌شویم؟

تا زمانی که در کشور ما عوامل ایجاد کننده تورم وجود دارد و زمانی که خلق نقدینگی بدون رشد اقتصادی داشته باشد، باید شاهد افزایش قیمت بی‌رویه کالاها باشیم. دولت از یک طرف باید مصارف خود را کاهش دهد تا آن‌جا که ممکن است، از طرفی درآمدهای مالیاتی خود را افزایش دهد {البته افزایش مالیات از محل به اصطلاح تولید نباشد بلکه افزایش مالیات از فعالیت‌های غیرمولد}، بخش درآمدی خود را افزایش دهد و با مدیریت هزینه، بخش هزینه‌ها را کنترل کند و رشد نقدینگی در اقتصاد کم شود تا اینکه بتوانیم به یک ثبات نسبی به قیمت‌ها برسیم.

منبع: صبح ساحل